

از حماسه تا تاریخ علمی

نوشته کلودمار کوویتس



مجسمه‌هایی متعلق به اواخر دوره گوبتا (قرن پنجم - ششم میلادی)، از منطقه آخور، در نزدیکی جامو (کشمیر).



سازمان علمی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آیا هندوستان تساریخ دارد؟ این پرسش همیشه مسأله دردرس تاریخدانان بوده، به‌خصوص در مورد دورانی طولانی که از هجوم آریاییها تا ورود مسلمانان در قرن دوازدهم را در برمی‌گیرد. درباره این دوره که شاهد ظهور و شکوفایی تمدن هندو بود دو نوع منبع در دست است: متون هنجارنا (نورماتیو) مانند وداها و حماسه‌ها از یک سو، و مدارک باستان‌شناسی از سوی دیگر.

اما برقرار کردن رابطه میان این دو مشکلات لاینحل پیش می‌آورد. برخی از محققان واقفیت تاریخی حماسه‌ها را به‌شدت منکر می‌شوند و معتقدند که این حماسه‌ها رویدادهایی صرفاً اساطیری و بدون مبنای تاریخی هستند. آنان به‌ایهام اشارات بر آنکه جغرافیای در حماسه‌ها و بتدریج جدیدی در مورد زمان سرودن آنها اشاره‌ای کنند. مکتب دیگری از محققان هندی معتقدند که بی‌شکوهی چند خطاری اجزای واقفیت تاریخی رویدادهای نقل شده در حماسه‌ها را اثبات کرده است.

در واقع این نزاع ستراعی فلسفی است. سمتها پیش‌فکلی حصول غیرتاریخی تمدن هند را اعلام کرده بود و تأکید می‌کند که هتا پیدایش تاریخ مکتوب ومان... بدون عقبتت تاریخی بود زیرا هیچ گونه تاریخ ذهنی با گزارش تاریخی از خود تنه‌ها نگذاشته بود. و سپس به‌اختلاف بین هند - چین و هند - چین - هندوستان دستاوردهای مسعودی بسیار غنی است - و چین - هندوستانی برجسته دارد که به‌دورترین اعصار برمی‌گردد - اشاره می‌کند.

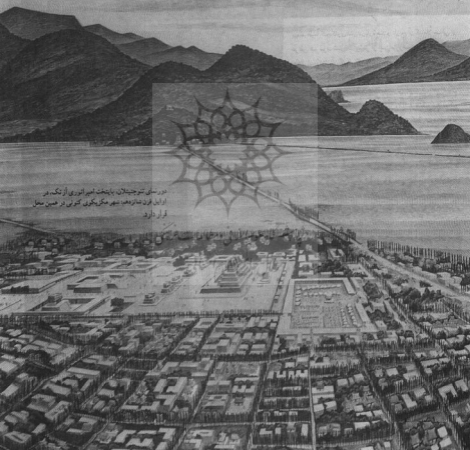
فقدان نوشته‌های تاریخی در مورد هند باستان انکارناپذیر است. قبل از فتح مسلمان، به‌استثنای وقایعنامه کشمیر هیچ متن وجود ندارد که طبیعت تاریخ داشته باشند. نوشتن متون تاریخی در سنایش سلاطین مسلمان در اواخر قرن دوازدهم آغاز گردید. مشهورترین نماینده این مکتب فرشته، مورخ دکن بود. این نوع سبک و ادبانی، که به‌قاری می‌نوشته می‌شد، نفوذ اندکی داشت.

پرتو هندوگان تمدن هند

از بعد از آنکه به اصطلاح علمی بافتارهای سرباز در هندوستان که از ۱۷۵۷ آغاز شد، در ۱۸۱۸ تکمیل گردید در ریتا صاحب نام این نوع سبک‌نگاری از چند دیگر جدا شد. سبک سبک دست کم تا حدود ۱۸۲۰ فقط مورد استفاده سبک‌نگاران بود. در سالهای ۱۷۹۴ - ۱۷۹۶، که در ۱۷۹۴ انجمن آسیایی کلکته را بنیان گذاری کرد، پایه گذاشتن سبک‌نگاری تاریخی هند باستان در به‌عبارت می‌رود. بیشتر اعضای انجمن از سبک‌نگاران

کهنه و نو

هندوستان، مهد تمدنی باستانی، و ایالات متحده، قاره‌ای «بدون گذشته»
اما با سنت نیرومند پیوریتنی، نمایانگر دو دنیایی هستند که از لحاظ
زمان و تاریخ کاملاً با یکدیگر مغایرت دارند. بین این دو وجه افراط و
تفریط تعداد زیادی حد وسط وجود دارد. اما آنچه میان همه آنها مشترک
است کند و کاوی تاریخی است که در این گفتۀ معروف فرناند برودل
خلاصه شده است: «بهای ملیت جستجوی بی وقفۀ هویت ملی است.»



دور نمای تئوچیپالان، پایتخت امپراتوری آزتک، در
اوایل قرن شانزدهم؛ شهر مکزیکوی کنونی در همین محل
قرار دارد.

صحنه‌هایی از راماپاته، حسانه
بزرگ سنسکرت که اعمال
فهرمانانه شاهزاده رامارا نفل
می‌کند. مکتب نقاشی مولا قرن
هنده.



کنده کاری روی ورقه مسی با
حروف پراهمی، به فرمان شاه
سالنگاپاته ناندیورامن دوم (قرن
چهارم میلادی). از متعلقه پداوگی
(آندرا پرادش).

شاهزاده‌ای در مقابل پادشاه (۱۵۲۰-
۱۶۸۳)، نخستین فرستاده‌ی مغول
هندوستان. سر تعظیم فرود می‌آورد.
میپانویسی متعلق به اواخر قرن
شانزدهم.



شگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

کلودمار کووینس،
اهل فرانسه، مدیر تحقیقات مرکز
ملی پژوهش‌های علمی در پاریس
است. کتاب تجارت و سانسهای
ملی فرانسه، ۳۹ - ۱۹۶۱:
طیبه سرما پادار پومس و پیمانیش
حزب کنکره انتشارات دانشگاه
کیمبریج، ۱۹۸۵. از آثار او است.

بودند طبیعاً کنجکاوی‌شان درباره‌ی هند و تاریخ آن کاملاً خالی از
غرض هم نبود. شناخت بیشتر از این سرزمین مسی‌نواست
به‌کثر مؤثرتر آن کمک کند. اما این انتخاب در عین حال
به‌عصر روشنگری تعلق داشته و مسی‌خواسته درباره‌ی یکی از
تمدنهای بزرگ بشری اطلاعات بیشتری کسب کنند. آسان
فرهنگ هند باستان را می‌تواند اما آن را از فرهنگ کلاسیک
یونان، که در آن زمان برای اروپاییان سرمشق کمال بود، فرودتر
می‌دانستند.

شایدترین حمله به‌شدن هند توسط جیمز میل (۱۸۴۶ -
۱۷۷۳) صورت گرفت؛ او از نمایندگان پسرجهت مکتب
فایده‌گری یا «ایدیالیسم فلسفی» و پسر جان استوارت میل
معروف بود. کتاب وی تاریخ هند بریتانیا (۱۸۱۷)، که نخستین
گام برای مرور تاریخ هندوستان است، بسیار مورد توجه قرار
گرفت و تأثیر قابل توجهی گذاشت.

میل، که از مقامات عالی‌رتبه‌ی کمپانی هند شرقی در لندن بود،
هرگز با خصاک هند نگذاشت و از منابع دست دوم استفاده کرد.
او که واقیبات را بخوار می‌شمرد، تاریخ و شاهزاده‌ای از فلسفه
می‌دانست و ساده‌لوحی «خاورشناسان» را مسخره می‌کرد. از
نظر او نوشته‌های باستانی هندو جعلیات محضی بودند که
به‌عنوان منبع تاریخی کمترین ارزشی نداشتند - حتی امروز نیز
بعضی از هندشناسان همین تلفظ را دارند. هندوسان قبل از فتح
مسلمین توالی یکواخت شاهان مستندی بود که یکی از دیگری
دندمن‌تر بودند و قدرشان متکی به‌مخرفاتی بسیار مخوف و
بسیار گراف بود. سلاطین مسلمان نیز به‌رحمت گامی از دوران
سیاه هندوسیم فراتر رفتند. تاریخ هندوستان در واقع هنگامی
شروع شد که اروپاییان و به‌خصوص انگلیسها از راه رسیدند.
جیمز میل به‌پژوهش تاریخی درباره‌ی هند کمک کرد، اما چند

سبل از تاریخنوسان را تحت تأثیر قرار داد او تاریخ هند را به سه دوره تقسیم کرد: عهد باستان (هندو)، قرون وسطا (اسلامی) و جدید (بریتانیایی)؛ گرچه دیرزمانی است که این تقسیم‌بندی کنار گذاشته شده است هنوز هم در متون درسی دیده می‌شود. بدلیل حملاتی که به‌عنوان شناسان کرده بود نقش او در توجه به‌بررسیهای تاریخی دوران جدید نیز بسیار مهم بود. تنها محفل کوچکی از متخصصان به‌مطالعه دربارهٔ دورانهای قدیمتر پرداختند.

در نتیجه کشفیات پراهمیتی چون کشف رمز از خط پراهمی توسط جیمز پرنسپ (۱۸۴۰ - ۱۷۹۹) در ۱۸۳۳ چندان مورد توجه قرار نگرفت. بین پژوهشهای خاورشناسان و آثار تاریخی مؤلفان انگلیسی، که به‌طور عمده به‌تاریخ هموطنان در هندوستان می‌پرداختند شکاف عمیقی وجود داشت.

ماونت استوارت الفینستون (۱۸۵۹ - ۱۷۹۹)، که هندوستان را به خوبی می‌شناخت و سه فرهنگ هندی از آرمستانه می‌نگریست گاهی تازه برداشت او در کتاب تاریخ هند در عصر هندوان و اسلام (۱۸۴۱) نخستین تقویم تاریخی هند باستانی را ارائه داد. خطوط اصلی این اثر هنوز هم معتبر است - و برای نخستین بار هند جنوبی را نیز، که تا آن زمان مورد توجه قرار نگرفته بود، در تاریخ خود گنجانید.

ظهور آگاهی ملی

دورهٔ بعد هم دورهٔ اوج مکتب اهریالیستی تاریخ و هم آغاز تاریخنگاری ملی هند است. نخستین تاریخنوسان بومی، مانند راجا سوباسرد، مؤلف اینتهاس نسیرتسک (۱۸۶۶) - که به هندی نوشته شده و کتاب درسی شمال هند بود - نسبت به جامعهٔ خود قضاوت تندی داشتند.

اما در دههٔ ۱۸۷۰، به‌خصوص در مهاراشتره جنبشی ضدغریبی شکل گرفت. روشنفکران، اعم از نویسندگان یا تحلیل‌گران، که از اعتلای ملی‌گرایی در اروپا مستأثر بودند، از فسادان سنت تاریخنگاری ملی آبریز تأسف کردند. نوشتهٔ بزرگ بنگالی یاکیچماندر اچاتر جی (۱۸۹۲ - ۱۸۳۸) برای ستایش از گذشتهٔ هندی بنگال از شکل رمان تاریخی استفاده کرد. مسئلهٔ مناسبات

آزادی جمعیت در مراسم تدفین گمانی در ۱۹۲۸.

دورهٔ بزرگ استقلال رسی که در ۱۹۰۳ در دهلی برگزار شد این تقابلی در یک روزنامهٔ فرانسوی در همان زمان به‌چاپ رسید.



هندوها و مسلمانان از همان زمان در نوشته‌های تاریخی جاهاز کرد. مکتب تاریخ ملی گر از حدود سال ۱۹۱۰ به میدان آمد. تعداد روزافزونی از اعضای این مکتب به جامعهٔ آکادمیک، که در حال گسترش بود، تعلق داشتند. ه. س. ریسچودوری، که پد جیاسوال، ر. ک. موکرچی و ه. س. اوچها به تاریخ باستانی هند پرداختند آنها سعی کردند که با نظر هگلی هند غیر تاریخی مبارزه کنند و به‌خصوص در مورد تکامل نهادهای سیاسی به مطالعه بپردازند. هر چند که کارشان همواره با معیارهای علمی تاریخ، به مفهومی که امروز از آن برداشت می‌کنیم، مطابقت نداشت، نقش آنها در پیدایش آگاهی ملی هندیها انکارناپذیر است. شهرت بزرگترین مورخ هندی تاریخ هند، چادونات سرکار (۱۹۵۸ - ۱۸۷۰)، به خاطر مطالعاتش در زمینهٔ اواخر دورهٔ مغولها و مترانه‌هاست. آثار وی که به سبکی زنده و جاندار نوشته شده است و مراتب فضل وی را نشان می‌دهد هم اکنون نیز خوانندگان بسیار دارد.

از دههٔ ۱۹۶۰ تاریخنگاری هندی به سایر علوم اجتماعی نزدیکتر شده است. مطالعات تاریخی دائماً سبب بروز مباحثات پرشوری می‌شود. این جوشش تازه گسواهی است بر اهمیت مطالعات تاریخی در کشوری که آشکارا در صدد آن است که - هم ممتاز و خاص خود را به تاریخ بشری ادا کند.